

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

ایزد مهر در باورهای ایرانی

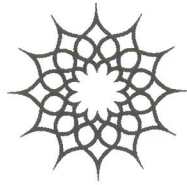
استاد راهنما
دکتر کتایون مزداپور

استاد مشاور
دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور
دکتر فتح‌الله مجتبابی

پژوهشگر
مینا سلیمی

شهریور ماه ۱۳۹۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۹

رساله‌ی تحصیلی خانم مینا سلیمی دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی

تحت عنوان:

ایزد مهر در باور های ایرانی

را بررسی کردند و رساله با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله، خانم دکتر کتایون مزداپور با مرتبه علمی استاد امضا

۲. استاد مشاور رساله، خانم دکتر زهره زرشناس با مرتبه علمی استاد امضا

۳. استاد مشاور رساله، آقای دکتر فتح‌آ... مجتبابی با مرتبه علمی استاد امضا

۴. استاد داور داخل گروه، خانم دکتر امید ملاک‌بهبهانی با مرتبه علمی استادیار امضا

۵. استاد داور مدعو، آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور با مرتبه علمی استاد امضا

۶. استاد داور مدعو، خانم دکتر گلغام شریفی با مرتبه علمی استادیار امضا

امضای رئیس پژوهشکده

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

از استادان گرانمایه‌ام سپاسگزارم. استادانی که در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از محضر ایشان بهره بردم و همواره حامی و مشوق من بوده‌اند. از استاد راهنمای عزیزم سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور که مشتاقانه و دلسوزانه در این راه مرا یاری دادند قدردانی می‌کنم. از سرکار خانم دکتر زهره زرشناس سپاسگزارم که همواره پاسخگوی پرسشهای من بودند و از ایشان بسیار آموختم. نیز از دانشمند فاضل، جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبایی صمیمانه سپاسگزارم که رساله‌ مرا پذیرفتند و مرا از راهنمایی‌های ارزنده و بی‌دریغشان بهره‌مند ساختند.

چکیده

در میان پژوهشگران شاخه مطالعات مهرشناسی، که در سده بیستم میلادی توسط فرانس کومون بنیان نهاده شد، مجادلات بسیاری در خصوص اصل و مفهوم آیین مهرپرستی رومی وجود دارد و عموماً در این خصوص اتفاق نظر ندارند. نگارنده بر این نظر است که احتمالاً بن‌مایه مهرپرستی رومی، ایرانی است اما در جریان گذر مهرپرستی ایرانی به غرب، عناصر و رسوم به آیین این ایزد افزوده شده است و این آیین تحت تأثیر فرهنگهای مختلفی قرار گرفته است. در غرب نیز این آیین تحولاتی داشته است. امروزه تحقیقاتی مربوط به خاور نزدیک، در دست انجام است که ممکن است در آینده روند مطالعات مهرشناسی و نتایج به دست آمده تا به امروز را تغییر دهد. ایزد مهر در ایران و هند قابل شناسایی و بررسی است. این رساله به بررسی شخصیت و کارکرد ایزد مهر در منابع ایرانی، هندی و غربی پرداخته است و نظریات مختلف درباره منشأ مهرپرستی رومی را مطرح کرده است. بررسی ایزد مهر و کارکردهایش در ایران و هند و غرب بر اساس منابع موجود صورت گرفته است. منابع موجود جهت بررسی هدف مورد نظر، منابع اصلی و منابع درجه دوم می‌باشند. منابع اصلی یعنی سرود ودایی میترا و مهریشت اوستا و کتیبه‌های فارسی باستان و متون دوره میانه بررسی شده‌اند و از طریق این منابع، ایزد مهر و کارکردهای او در ایران و هند مطالعه شده است. برای بررسی میترس در غرب نیز منابع دست اول موجود، یعنی مهرابه‌ها و نوشته‌های برجای‌مانده مورد توجه قرار گرفته‌اند. منابع درجه دوم که تحقیقات و پژوهشهای دانشمندان است نیز مطالعه شده‌اند و از نظریات و آراء آنها استفاده شده است. مقایسه تطبیقی عناصر مختلف در بازمانهای نوشتاری و باستان‌شناختی، و رسوم آیینی رومی انجام گرفته است. در فصل نخست منابع اصلی معرفی شده‌اند. سپس در فصلهایی مهر در ایران، مهر در هند، و مهر در غرب تحقیق شده است. در بخشی، مهرابه‌ها با توجه به مفاهیم نجومی آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت، نیز در بخشی بررسی و تحقیق شده است. در فصولی به بررسی مفهوم کنایی گاو، و ارتباط مهر با گاو، و مهر منجی، و مهرگان، و بازمانهای مربوط به ایزد مهر پرداخته شده است. در پایان خلاصه فصول و نتایج آنها ذکر شده است. نتیجه‌ای که از این تحقیق حاصل می‌شود را می‌توان چنین مطرح کرد که اگرچه مهرپرستی در ایران با مهرپرستی رومی یکسان نبوده است، اما احتمالاً کارکرد و شخصیت خدای هر دو آیین ریشه‌ای مشترک دارد و منشأ میترس رومی با میتره ایرانی یکی است. البته ظاهراً برخی از کارکردهای کلیدی و تعیین‌کننده میتره در متون اوستایی پوشانده شده‌اند که آنها را می‌توان در شخصیت میترس جست. اگرچه از منسوخ شدن آیین ایزد مهر چند هزاره می‌گذرد اما در فرهنگ عامیانه می‌توان بازمانهایی از اعتقادات کهن را یافت. بازمانها لزوماً نباید برآمده از اعتقادات مهرپرستان باشند. در این سرزمین آداب و باورهای دیگری نیز جز مهرپرستی وجود داشته است که آنها نیز به نوعی در باورهای بازمانده، تأثیراتی بر جای نهاده‌اند و لازم است که این نکته در بررسی باورها و فرهنگ امروز مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مهر، میتره، میتره، میترس، مهرپرستی، گاو، قربانی.

فهرست مطالب

چکیده فارسی	پنج
فهرست اختصارات و نشانه‌ها	هشت
پیشگفتار و روش کار	نه-دوازده

فصل اول:

مقدمه	۲
۱-۱. منابع موجود درباره مهر	۹
۱-۱-۱. منبع هندواروپایی	۹
۱-۱-۲. وداها	۱۰
۱-۱-۳. منابع ایرانی	۱۱
۱-۳-۱. اوستا	۱۱
۱-۳-۱-۱. دین متون اوستایی	۱۱
۱-۳-۱-۲. متون اوستایی مرتبط با مهر	۱۵
۱-۳-۱-۳. مهریشت و زمان آن	۱۵
۱-۳-۲. متون فارسی باستان و دوره میانه	۱۹
۱-۴. منابع غربی	۲۰

فصل دوم:

مهر در وداها	۲۲
۱-۲. میتره، میتره در ارتباط با ورونه	۲۵

فصل سوم:

مهر در متون ایرانی باستان و میانه	۴۰
۱-۳. مهر در اوستا	۴۰
۱-۳-۱. ویژگیها و وظایف میتره	۴۰
۱-۳-۲. ایزدان همراه میتره	۶۷
۱-۳-۳. بررسی مفهوم و ریشه‌شناسی نام مهر	۷۰
۲-۳. مهر در سنگ‌نوشته‌های فارسی باستان	۸۰
۳-۳. مهر در متون دوره میانه	۸۸
۱-۳-۳. مهر در متون فارسی میانه زرتشتی	۸۸

۳-۳-۲. مهر در متون فارسی میانه مانوی..... ۹۸

۳-۳-۳. مهر در متون سغدی..... ۱۰۷

۳-۳-۴. نقوش مربوط به مهر در ایران..... ۱۰۹

فصل چهارم:

مهر در اروپا..... ۱۱۵

۴-۱. میترس..... ۱۱۵

۴-۲. مهرپرستی غربی..... ۱۲۷

۴-۳. مهرابه‌ها..... ۱۷۱

۴-۴. تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت..... ۱۷۹

فصل پنجم:

گاو و مهر..... ۱۹۴

فصل ششم:

مهر منجی..... ۲۱۰

فصل هفتم:

مهرگان..... ۲۱۸

فصل هشتم:

بازمانها..... ۲۳۲

خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۲۴۲

کتابنامه..... ۲۴۴

چکیده انگلیسی..... 1

فهرست اختصارات و نشانه‌ها

پیش از میلاد مسیح	پ م
میلادی	م
کتیبه اردشیر دوم، همدان، a: سه‌زبانه: فارسی باستان، ایلامی، اکدی	A ² Ha
کتیبه اردشیر دوم، همدان، b	A ² Hb
کتیبه اردشیر سوم، پرسپولیس، a	A ³ Pa
کتیبه اردشیر دوم، شوش، a: سه‌زبانه	A ² Sa
کتیبه اردشیر دوم، شوش، d: سه‌زبانه	A ² Sd
اوستا	Av
بهاوشیا پورانا	BhP
پیش از میلاد مسیح	BCE
میلادی	CE
نهادهی مفرد	n.s.
نیایش	Ny
فارسی باستان	OP
ایرانی باستان	OIr
ریگ‌ودا	RV
سنسکریت	Skr
وندیداد	V
یسن	Y
یشت	Yt
نگاه کنید به	→
نگاه کنید به	←
ریشه	√

پیشگفتار

ایزد مهر و آیین او همواره مورد توجه دانشمندان و پژوهندگان بوده است و تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است. ایزد مهر در منطقه وسیعی از جهان باستان پرستیده می‌شده است، البته نه به صورتی واحد. امروزه از آیین پرستش این ایزد در ایران اطلاعاتی در دست نیست اما شخصیت و کارکردهای او در ایران و هند قابل بررسی است. برای تحقیق در مورد این ایزد و آیین او تمامی جوانب باید مورد توجه قرار گیرد. میتره در هند، میتره در ایران و میترس در غرب باید تحلیل شود تا تصویری شفافتر از شخصیت این خدا به دست آید. در غرب از آیین پرستش میترس آثاری در دست است که نقش برجسته‌ها و تصاویر آن را نشان می‌دهد. آثار مهری غرب نظیری در ایران و هند ندارد و نمونه‌ای مشابه آنها از این نقاط به دست نیامده است. آثار غربی نیز نمی‌توانند به خوبی بیانگر آیین پرستش این خدا باشند. به هر روی آثار بازمانده در دنیای امروز، تنها ارائه فرضیاتی با احتمالات و حدسه‌های بسیار را برای مهرشناسان ممکن می‌سازد. در مورد منشأ خدای میترس و آیین او اختلاف نظر بسیار است. امروزه تحقیقاتی در خاور نزدیک در دست انجام است که می‌تواند دری را به روی مهرشناسان جهت درک بهتر این ایزد و آیین او بگشاید. در این رساله این ایزد و آیین او بررسی شده است و نظریات مختلف در این خصوص نیز ذکر شده است.

در حوزه مهرپرستی غربی و نیز ایزد مهر در ایران و هند آثار متعدّد و فراوانی نوشته شده است و نظریات عموماً ضدّ و نقیضی نیز ارائه شده است. در این رساله منابع دو گروه پژوهش‌های بنیادین و پژوهش‌های نوین مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گروه اول شامل منابعی می‌باشند که مطالعات بنیادین و سرآغاز تحقیقات مهرشناسی به شمار می‌روند و از این دست باید به آثار فرانتس کومون و مارتین ورمازرن اشاره کرد که نظریات آنها و پژوهش‌هایشان همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. طبیعی است که دسترسی به این نوع منابع در ایران دشوار نیست و به راحتی می‌توان از این آثار که ترجمه آنها به فارسی نیز موجود است، بهره برد. اما دسترسی به منابع گروه دوم که شامل تحقیقات و آثار جدیدتری از مهرشناسانی چون راجر بک و مانفرد کلاوس است در ایران دشوار است. نگارنده زمانی را صرف شناسایی و گردآوری این منابع کرد و تا جایی که ممکن بود از منابع آنلاین و منابعی که دسترسی به آنها از طریق وبگاه ممکن بود بهره جست. در مواردی نیز به ناچار از ارجاعات غیرمستقیم استفاده شد. که از این دست می‌توان به آثار کلاوس اشاره کرد که دسترسی به آنها ممکن نبود. طبعاً اکتفا به منابع قدیمی‌تر جهت صرف‌جویی در زمان کارساز بود اما نگارنده تمام تلاش خود را جهت بررسی منابع جدیدتر به کار گرفت و از آثاری که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده بودند نیز بهره برد. با توجه به تغییر موضوع رساله که در بهمن ۱۳۹۰ اتفاق افتاد بررسی همه منابع گردآوری شده، در حدود هشت ماه زمان باقی‌مانده، امکان‌پذیر نبود. با این حال منابع مهمتر مانند آثار راجر بک بررسی شدند و در رساله مورد استفاده قرار گرفتند. از ویژگی‌های این رساله باید به گستردگی مطالب آن اشاره کرد. این رساله موضوع مهم، بحث‌برانگیز و پردامنه‌ای را بررسی کرده است. از نظر زمانی بررسی کهنترین آثار مربوطه از دوران باستان تا به امروز را بررسی کرده است. از نظر مکانی نیز باید همه مناطق که با این ایزد و آیین او مرتبط بوده‌اند مورد توجه قرار می‌گرفت. نکته دیگر پیچیدگی و ابهامات در مورد این

ایزد و آیین اوست که همواره مورد بحث دانشمندان بوده است. زمان بسیار کوتاه و کمبود منابع کار تحقیق را به دشواری می‌کشد و طبعاً تحقیق حاضر از ایراد و اشکال به دور نیست. نگارنده امیدوار است که این پژوهش سرآغازی برای تحقیقات بیشتر و بهتر او در آینده باشد.

این تحقیق در قالب چند فصل ارائه شده است. در مقدمه رساله به معرفی منابع موجود درباره ایزد که شامل متون اوستایی، متون مهر پرداخته شده است. منابع هندی و منابع موجود در ایران فارسی باستان و متون دوره میانه است، معرفی شدند. کهنترین منبع هندواروپایی یعنی پیمان‌نامه میتانی و آثار تاریخی مهرپرستی غربی نیز معرفی شده‌اند. پس از معرفی این آثار نخست به بررسی میتره در وداها پرداخته شده است و بدین منظور نگارنده سرود میتره را بررسی کرده است. این سرود تنها منبع منحصر به میتره در هند است و جلوه‌هایی از شخصیت او را روشن می‌کند. در این بخش شخصیت میتره و ارتباط تنگاتنگ او با ورونه و دیگر خدایان ودایی بررسی شده است و بخشی از کارکردهای این ایزد در ارتباط با خدایان دیگر نشان داده شده است. فصل بعد به بررسی ایزد مهر در ایران و دوره‌های باستان و میانه اختصاص دارد. میثره در اوستا بررسی شده است. درباره مفهوم واژه مهر و ریشه‌شناسی آن اختلاف نظر بسیار است که به این نظریات اشاره شده است. برخی معتقداند که معنی اصلی «مهر» پیمان است و دوست معنی ثانویه آن است و برخی نیز بر خلاف آن معنای اصلی آن را دوست می‌دانند. در واقع این مبحث یکی از بحث‌برانگیزترین بخشهای مهرشناسی است. مهر در ایران و هند را به واسطه متون و آثار ذکر شده می‌توان شناخت. اما این ایزد و آیین پرستش او در خارج از ایران و در حیطه گسترده‌ای در غرب نیز شناخته می‌شده است. مهر را در غرب میثرس می‌خواندند. مهرپرستی ایرانی و غربی از دو نوع متفاوت‌اند. نظریات ضد و نقیضی درباره اصل و ماهیت میثرس وجود دارد. برخی بر این باوراند که آیین فراگیر این خدا در غرب تداوم‌یافته آیین پرستش ایزد مهر در ایران است که به بابل رفته است و در آنجا تغییراتی در آن رخ داده است و سپس راهی غرب شده است. آنچه روشن است آن است که شخصیت این خدا آمیزه‌ای است از باورهای گوناگون بابلی و یونانی و غیره که ظاهراً در خدای ایرانی میثره ترکیب شده است. نکته مهم آن است که آنچه از آیین مهرپرستی غربی بازمانده است در ایران قابل پی‌گیری نیست و نشانه‌های مهرپرستی غربی را نمی‌توان در ایران یافت. در ایران نشانه‌ای از مهرابه‌های غربی و تصاویر و نقوش آن به دست نیامده است و ظاهراً این ترکیب در خارج از ایران شکل گرفته است. از آنجاکه در غرب نوشته مکتوب تاریخی از این آیین در دست نیست، بررسی و نتیجه‌گیری دشوار است و برخی نیز با اتکا به تصاویر نتایج نادرستی به دست آورده‌اند. درباره تأثیر و یا عدم تأثیر مهرپرستی غربی بر مسیحیت نیز نظریاتی ارائه شده است. برخی به شدت با تأثیر مهرپرستی بر مسیحیت مخالف‌اند. در این رساله تا حد امکان به این مقوله نیز پرداخته شده است. صرف نظر از تحقیقات دانشمندان غربی، دیدگاهی ویژه در ایران درباره آیین مهر شکل گرفت. که بنیانگذار آن ذبیح بهروز و دنباله‌رو آن محمد مقدم بود. این دیدگاه آیین مهر را ایرانی می‌داند و درباره زایش مهر و غیره نظریاتی دارد و قائل به این نظر است که مهر شخصی تاریخی بوده است. در برخی از باورهای بازمانده در خاور نزدیک ردّ پای از اعتقادات مهری مانند گاوکشی در روشی شبیه به گاوکشی در

مهرپرستی غربی دیده می‌شود که شاید به دست آوردن اطلاعات بیشتر در آینده نظریات تازه‌ای را پدید آورد. مهرابه‌ها ساختمان و نقوش و جزئیات بسیار مهمی دارند و وابستگی تنگاتنگ و غیر قابل انکار آنها با نجوم آشکار است. راجر بک به خوبی مهرابه‌ها و ارتباط آنها با نجوم را بررسی کرده است و نتایج جالب توجهی به دست آورده است. گزارشهای کوتاه مورخان، آثار باستان‌شناسی و مطالعات ادیان همگی در کنار هم تصویری از آیین مهر ارائه می‌دهد که البته به اندازه کافی روشن نیست و همواره با یافتن نکاتی جدید و دیدگاهی تازه می‌توان به بهبود این تحقیقات امیدوار بود. در این رساله منابع شرقی و غربی بررسی شده‌اند تا چشم‌اندازی از این ایزد و آیین و سرگذشت آن ارائه شود. فصل دیگری به گاو و مهر اختصاص یافته است. ارتباط مهر با گاو از اهمیت بسیاری برخوردار است به ویژه در مهرپرستی غربی که گاوکشی مهر از بحث‌برانگیزترین بخشهای آن به شمار می‌رود و ظاهراً نمادی از آفرینش است. مفهوم کنایی گاو در اوستا مورد نظر نگارنده بوده و آن را بررسی کرده است. در اوستا منجی‌ها سوشیانت‌اند و در هیچ کجای اوستای موجود سوشیانت میثره معرفی نشده است. می‌دانیم که در مهرپرستی غربی منجی میثرس است. مهرگان نیز در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است. بار دیگر خاطرنشان می‌سازد که این موضوع از گستردگی بسیاری برخوردار است و با توجه به زمان بسیار کم و موضوعی چنین گسترده و بحث‌برانگیز که منابع بسیار و متنوعی از سراسر جهان قدیم درباره آن موجود است کاستی در این کار اجتناب‌ناپذیر بوده است و نگارنده کوشیده است تا در این زمان مختصر حتی‌الامکان پژوهشی در خور این موضوع به انجام رساند تا پیش‌درآمدی باشد برای تحقیقات بعدی نگارنده در آینده.

روش کار

در این رساله سعی بر آن بوده است که تحقیق مستقیماً از طریق منابع دست اول صورت پذیرد و متون باستانی و میانه بررسی شوند. سرود ودایی میتره و مهریشت اوستا تحقیق شدند و سپس بندهایی از این سرودها که مضمون آنها مورد توجه نگارنده بوده است در متن رساله ذکر شدند. البته بندهایی از بخشهای دیگر اوستا نیز در رساله مورد استفاده قرار گرفته است. کتیبه‌های فارسی باستان و متون فارسی میانه زرتشتی و مانوی که در آنها به ایزد مهر اشاره شده است بررسی شدند و مورد استفاده قرار گرفتند. نگارنده پس از تحقیق در متون باستانی و میانه، نتیجه را با پژوهشهای دانشمندان در متون مذکور سنجیده است تا از خطا و اشتباه حتی‌المقدور دوری جسته باشد. در مورد سرود ودایی میتره، پژوهشهای گلندر و مک دونل دیده شدند و برای سرود مهریشت پژوهشهای گرشویچ و پورداوود بررسی شدند. برای دیگر متون اوستایی آثار هومباخ، اینسلر و نارتن و دیگران مطالعه شدند. متون اوستایی بر پایه متون گلندر حرف‌نویسی شده‌اند. در مورد کتیبه‌های فارسی باستان نیز به آثار کنت و اشمیت مراجعه شده است. در مورد متون دوره میانه نیز همین روش اتخاذ شد. برای بررسی دقیقتر مهر در متون دوره میانه، به سایت تیتوس (Thesaurus Indogermanischer Text- und Sprachmaterialien) مراجعه شد و متونی که واژه *mihr* در آنها به کار رفته بود بررسی شدند تا حتی‌الامکان موردی از کاربرد این واژه نادیده گرفته نشده باشد.

حرف‌نویسی متون اوستایی به شیوه هوفمان صورت گرفت و در آوانویسی متون پهلوی از شیوه مکزی پیروی شد. در مواردی نیز حرف‌نویسی‌های نیبرگ و فره‌وشی داده شده است. در بخش منابع غربی نیز اثر پورفیری و آثار مهرشناسان برجسته‌ای چون کومون و ورمازرن و بک دیده شده است. منابع اصلی مهرپرستی غربی تصاویر می‌باشند که نگارنده از طریق کتب گوناگون و نیز بررسی وبگاه تصاویر موجود را بررسی کرده است.

در متن رساله ایزد مهر به صورتهای میتره، میتره، میترس، میترا و مهر آمده است و البته در به کارگیری این الفاظ عمدی در کار بوده است. هرگاه ایزد مهر در متون ودایی مورد نظر بوده است، صورت میتره به کار رفته است و برای کاربرد این ایزد در اوستا از میتره و در غرب از میترس استفاده شده است. چنانچه ایزد مذکور در دوره هندوایرانی مورد نظر بوده است، میترا به کار رفته است و هرگاه به طور کلی از این ایزد سخن رفته است از صورت فارسی آن، مهر، که نزد ما مصطلح است استفاده شده است. آیین مهر در غرب را آیین میترس، اسرار میترس، اسرار رومی و مهرپرستی غربی نامیده‌اند. این اصطلاحات در رساله به کار رفته است. مکان مقدس مهرپرستان را برخی مهرابه و برخی مهرکده می‌خوانند. در این رساله از نام مهرابه استفاده شده است. نامهای خاص لاتین در پانوشتها و گاهی در متن آمده‌اند.

فصل اوّل

مقدمه

۱. مقدمه

از آنجاکه آیینها آغازی قطعی ندارند، هر نکته‌ای در تاریخ آنها مدیون وجود آن در رخدادهای پیشتر از آن در گذشته است. درک زبان و فرهنگ هندواروپایی پیش‌نیازی در مطالعات هندوایرانی است (Ara 2008, p. 41).

درباره‌ی خاستگاه آریاییان نظریاتی وجود دارد. اما نظریه‌ی کورگان^۱ تا به امروز مقبولیت بیشتری داشته است و آن را پذیرفته‌اند. این نظریه را ماریا گیمبوتاس^۲ در اواسط قرن بیستم پیشنهاد کرد. مبنای مدل گیمبوتاس مقایسه‌ی بقایای باستان‌شناختی برجای‌مانده از فرهنگ‌های مرتبط با زبان‌های هندواروپایی است. این مدل بر مبنای استخراج عناصر مشترک این فرهنگها، تبارشناسی و مسیر تحولات این عناصر را در تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن‌تر درمی‌یابد. مهم‌ترین عنصر در این میان، شیوه‌ی تدفین است و گیمبوتاس بر گورهای بزرگ و تپه‌مانندی متمرکز شد که کورگان نامیده می‌شوند. گیمبوتاس معتقد است که صورتی از فرهنگ اروپایی کهن وجود داشته است که صلح‌جو، شکارچی و زن‌سالار بوده است. بازسازی گیمبوتاس از این فرهنگ در کتاب مهم او ایزدبانوی زنده^۳ ارائه شده است. گیمبوتاس معتقد است که پیش از هزاره‌ی چهارم پ م، بافت مادی و فرهنگی متفاوتی در میان ساکنان اروپا رواج داشته است. بر مبنای مدل کورگان، خاستگاه آریایی‌ها استپ‌های میان دریای سیاه و دریای مازندران است. آریایی‌ها در این منطقه تمدن اولیه‌ی خود را بر ساختند، اما احتمالاً پیش از آن، از جایی در اوکراین امروزی و نزدیکی رود ولگا می‌زیستند. موج‌های اول و دوم حرکت این مردم تمدن‌های

1. Kurgan

2. M. Gimbutas

3. *The Living Goddesses*

یمننا و مایکوپ را پدید آورد و در حرکت بعدی از آسیای میانه تا رود دانوب را در نوردید. نک. بهار ۱۳۸۷، صص ۳۸۴-۳۹۲.

هندواروپاییان در سه موج وارد اروپا شدند (Ara 2008, p. 44). می‌دانیم که فرهنگ هندواروپاییان مردسالار بوده است و آنها با مهاجرت خود به نقاط بسیاری از جهان، با فرهنگهای بومی زنسالار نیز برخورد داشته‌اند. برخورد و آمیزش فرهنگها، به ایجاد فرهنگهایی با صورتی تازه انجامید که برای تحلیل آنها باید از لایه‌های زیرین و فرهنگهای سازنده آنها آگاه بود.

جیمز که پرستش آسمان-خدا را در فرهنگهای گوناگون سامی و اروپایی بررسی کرده است، خاطر نشان می‌سازد که در میان سازمانهای اجتماعی چادرنشین و پدرسالار، آسمان-خدا عموماً نقش فرمانروای برتر و آفریننده جهان و پدر بشر را بر عهده داشته است. در سازمانهای اجتماعی مادرسالار و وابسته به کشاورزی، اگرچه مادر-ایزد گرایش به برتر بودن دارد اغلب به پایه‌ای آسمانی نیاز دارد حتی درحالی‌که او برخی عناصر نباتی ذاتی خود و کارکردهای باروری سازنده زندگی در اشکال گوناگون را حفظ کرده باشد. فراوانی تصاویر مؤنث و کمبود تصاویر مذکر مربوط به دوران کهن در حفاریها، از اروپای مرکزی به سمت شرق تا میانرودان، نشان می‌دهد که آیین ایزدبانو رسم نسبتاً یکپارچه سراسر جوامع کهن گوناگون بوده است (Ibid., p. 42).

فرهنگ هندواروپایی در فلات ایران نیز با فرهنگهای بومی زنسالار تلاقی داشته است و با آن آمیخته است. اطلاعات باستان‌شناسی و آثار به‌دست‌آمده از ایلام و جیرفت نشان از اهمیت جنس مؤنث و نقش برتر او در اعتقادات و ساختار جامعه دارد. فرهنگ مردسالار به دلیل دارا بودن ویژگیهایی چون جنگجویی توانست بر فرهنگ زنسالار غلبه کند. اما با این حال عناصری از فرهنگ زنسالار را در خود پذیرفت.

جایجا شدن نقش خدایان مؤنث و مذکر در ایلام نشان از این واقعیت دارد. خدای مذکر هومبان به تدریج جای خدای برتر مؤنث یعنی کیریریش را می‌گیرد و نفوذ فرهنگ هندواروپایی در نظام خدایان ایلام قابل ملاحظه است (نک. مجیدزاده ۱۳۸۶، صص ۵۰-۵۲).

در پی مهاجرت هندواروپاییان و در ربع سوم هزاره سوم پیش از میلاد تقریباً همه اروپای کهن از نظر اقتصادی و اجتماعی دگرگون شد (Ara 2008, p. 45). اصطلاح اروپای کهن به اروپای نوسنگی پیش از هندواروپاییان گفته می‌شود، مردمی که از هزاره هفتم تا سوم پیش از میلاد در اروپا ساکن بودند (Ibid., p. 44).

دین هندواروپایی رسمی شد اما آیین ایزدبانوی اروپای کهن نیز انتقال یافت (Ibid., p. 45).

کارکردها و تصاویر اروپای کهن و خدایان هندواروپایی و سمت‌وسوی متفاوت نمادها نشانگر وجود دو دین و اسطوره‌شناسی متغایر است. هندواروپاییان غالب شدند، درحالی‌که اروپاییان کهن به عنوان جریانی تحتانی باقی ماندند (Ibid., p. 44).

شاخه‌ای از هندواروپاییان هندوایرانیان‌اند. میان دو گروه هندی و ایرانی هم، از نظر زبانی و هم، از نظر فرهنگی نزدیکی بسیاری وجود دارد (Ibid., p. 55). هندیان و ایرانیان پیش از جدایی با هم می‌زیستند و به یک زبان سخن می‌گفتند. آنان در آسیای مرکزی کنونی می‌زیستند و هندوایرانیان آغازین نامیده می‌شوند (Ibid., p. 56).

در این رساله خواهیم دید که مهرپرستی در ایران و هند و نقاط بسیاری در جهان غرب رواج داشته است، البته نه به صورتی واحد. همانگونه که گفته شد برای درک این دین تأثیرگذار جهانی و ایزد یا خدای آن، مهر، باید به عقبتر بازگشت و تا آنجاکه ممکن است بررسی را از دوره هندواروپایی آغاز کرد.

صرف نظر از اشاراتی که در متون ایرانی و هندی به شخصیت، کارکرد و پرستش ایزد مهر شده است، دست یافتن به چگونگی پرستش این ایزد و آیینهای مرتبط با آن در ایران و هند ناممکن می‌نماید، چراکه منبع مستقیمی برای دریافت آن وجود ندارد. چگونگی پرستش میترس در غرب برای ما روشن‌تر است، اما دریافتهای دانشمندان از آیین میترس نیز در اصل، مبتنی بر تصاویر و نقوش برجای‌مانده از این آیین است که سرشار از نمادهای گوناگون است. پژوهشگران کوشیده‌اند تا با تحلیل این نمادها آیین میترس را بازسازی کنند. اما تحلیل این نمادها کار دشواری است و نمی‌توان برداشت قطعی‌ای از آنها داشت. اگرچه در نقوش و تصاویر، بر خلاف متون مکتوب، جعل و تصرف و تحریف رخ نمی‌دهد، با این حال دریافت زبان و رمز نمادها کار ساده‌ای نیست و برای بررسی آنها باید فرهنگهای مربوطه و آثار آنها را بررسی کرد تا حتی الامکان خطای کمتری رخ دهد. قطعاً آیین میترس که در غرب رواج داشته است، از فرهنگها، آیینها و آداب و تفکر و نمادهای دیگری که در غرب وجود داشته است تأثیر گرفته است و نیز بر آنها تأثیر نهاده است. تلاقی فرهنگهای گوناگون، صورتی تازه از آیین پدید آورده است که درک و شناخت آن منوط به درک موقعیتی است که این آیین با صورتی نو در آن شکل گرفته است.

میرچا الیاده معتقد است که نماد دینی دارای ارزشهای چندگانه است، زیرا می‌تواند چندین مفهوم را بیان کند. ماه می‌تواند نماد باروری، بازپیدایی زندگی، زمان، سرنوشت و دگرگونیها باشد. وجه غیر

قابل دسترس حقیقت، به مردم عادی توسط نمادها فهمانده می‌شود. افزون بر آن نمادها می‌توانند نشانگر موقعیتهای متضاد نیز باشند (Olson 2011, p. 245).

اکتشافات باستان‌شناسی کورگان دلالت بر وجود خدای رعد، و وجود آیینهای خورشید، آتش، اسب، گاو، گرگ، سگ، گراز و مار دارد (Ara 2008, p. 23).

در تصاویر و نمادهایی که از گورستانها و معابد و غیره در صورتهای مختلف به دست آمده است نشانه‌هایی برای مرگ وجود دارد. فاخته و جغد پرنده‌های پیشگوی مرگ‌اند. رنگ سیاه نمایانگر زمین، و سرخ نمایانگر زندگی و نو شدن فصلی است. سفید، رنگ استخوان، نماد مرگ است. مار نماد نیروی زندگی است (Ibid., p. 46). گیمبوتاس توضیح می‌دهد که مار چنبره‌زده یا حلقه‌زده، اغلب با ۱۴ تا ۱۷ حلقه نماد ماهی است که در حال کامل شدن است، و با ۲۹-۳۰ حلقه، نماد روزهای چرخه ماه است. مارهایی که به صورت حلقه‌زده، رو به بالا از آب یا زهدان نشان داده می‌شوند، بر گورها، معبدها و بر سفالها نقش شده‌اند و احتمالاً باززایی را نشان می‌دهند، به ویژه وقتی مار و درخت با هم تصویر شده‌اند (apud Ibid.).

تکریم مارها به عنوان نماد نیروی زندگی، تکرار چرخه و جاودانگی در اساطیر هندواروپایی بر جای مانده است، اما اغلب با مفهوم منفی در برخی از سنتهای متأخر.

ظاهراً در دین هندواروپایی، اکثر نامهای خدایان مادینه هندواروپایی محصول فرهنگهای پیش‌هندواروپایی بومی مناطقی است که هندواروپاییان به آنها مهاجرت کرده‌اند. ایزدبانوی اروپای کهن باید پس از مهاجرت‌های هندواروپاییان متعاقباً با خدایان هندواروپایی یکسان شده باشد. تصاویر مادینه پیش‌هندواروپایی که با خدایان هندواروپایی یکی شدند، گستره بزرگی از کارکردها را تحقق می‌بخشند (Ibid., p. 47).

موضوع اصلی نمادپردازی دینی در باستان‌شناسی اروپای کهن صورتی مادینه است که نمایانگر رمز چرخه‌ای زایش و مرگ و باززایی زندگی است. این مادینه بکرزا منبع یگانه زندگی است. در یافته‌های باستان‌شناسی، او نیروی آفریننده‌ای نشان داده شده است که در همه گیاهان و جانوران، آنها و چشمه‌ها، در زمین، خورشید و ماه قابل تشخیص است. او مادر ازلی و بخشنده است (Ibid., p. 45).

در سنت اروپای کهن و در نگاره‌ها خدایان مذکر به عنوان محافظان حیوانات وحشی و طبیعت توصیف شده‌اند (Ibid., p. 45).

در نمادپردازی هندواروپایی خدای رعد به شکل گاو نمایانده شده است (Ibid., p. 47). در صورت مشابه آن در تصویرنگاری اروپای کهن، ایزدبانو از سر گاو زاده شده است که اغلب به اسطوره آفرینش تعبیر شده است. لوسیوس آپولیوس^۴، شاعر رومی، در رمان الاغ طلایی^۵، به لاتین در سده دوم میلادی، از ایزدبانو ایزیس Isis استغاثه می‌کند. ایزیس بیرون می‌آید و پاسخ می‌دهد و خود را مادر همه چیز و سرور همه نیروهای آسمانی معرفی می‌کند. او ملکه دوزخ نیز هست. بعدها در دوره مسیحیت زندگی‌بخش و مادر زمین با مریم مقدس، که با آب زندگی و چشمه‌های شفابخش و درختان مرتبط است، آمیخته شد (Ibid., p. 48).

ایزدبانوی مادر تصویری نادرست برای خدایان مادینه پیش‌تاریخی است. تنها یک مادر زمین (Mother Earth) و مادر مرگ (Mother of the Dead) وجود داشته است و دیگر ایزدبانوان را نباید تحت این عنوان خواند. در دوره‌های بعدی این ایزدبانو به افسونگر تبدیل شد و با شیطان و جادو و تاریکی و شب و مرگ مرتبط دانسته شد (Ibid., p. 48).

نظیر این توصیفات در مورد چهره‌های مادینه، همچنین در آسیای مرکزی و دره سند به دست آمده است. توصیف کشفیات باستان‌شناسی تمدن آمودریا و تغییرات اجتماعی-سیاسی که توسط فرهنگهای مردانه غالب آورده شده است نشان می‌دهد که حکومت اشرافی مردانه محلی علاقه‌مند بوده است که خود را برتر ببیند، اگرچه تمدن ایزدبانو را که هر ساله به جهان زندگی می‌بخشد ستایش می‌کند (Ibid., p. 45).

پیکره‌های گاو، شاخها و سر گاو در هنر خاور نزدیک و اروپای کهن وجود دارد. در اروپای کهن مانند سنتهای هندواروپایی گاو نه تنها به عنوان نمادی از زندگی بلکه به عنوان نماد منبع زندگی، به عنوان جاننداری حیاتی و الزامی در زندگی انسان آشکار می‌شود (Ibid., p. 49).

نمادهای عقرب و مار که همانطور که گفته شد در فرهنگ هندواروپایی و دیگر فرهنگهای جهان شناخته می‌شده است، در بررسی آیین جهانی مهر مورد توجه قرار می‌گیرد. می‌دانیم که در اعتقادات زرتشتی، این دو موجوداتی منفی و اهریمنی‌اند. اما نقوش مربوط به مهرپرستی غربی مار را موجودی منفی معرفی نمی‌کند. در فرهنگ عامیانه امروز ایران نیز می‌توان به وجه مثبت مار دست یافت.

ظاهراً ایرانیان پیش از زرتشت میثره را می‌پرستیدند و احتمالاً آیین آنها مهرپرستی‌ای بوده است که چگونگی آن امروزه برای ما روشن نیست. پس از اصلاحات زرتشت، میثره هنوز به عنوان خدا

4. Lucius Apuleius (125 –180 CE)

5. *The Golden Ass*

توسط مردمانی که اصلاحات را نپذیرفته بودند و کسانی که در اوستا دئوه‌پرستان توصیف می‌شدند، پرستیده می‌شد. نمونه‌ای کامل از نشانه‌های ملعون، کژدم است که زرتشتیان آن را لعن می‌کنند، اما باورهای عامیانه آن را به عنوان نماد خورنۀ میتراپی زنده نگه داشتند (Soudavar 2003, p. 30).

دربارهٔ ارتباط عقرب و مار با خورنۀ نک. (Ibid., p. 29).

می‌توان چنین حدس زد که عقرب که به مدت یک هزاره به عنوان آفریده‌ای نیک و حتی مورد تکریم درک می‌شده است، پیش از آنکه در زرتشتیگری خرفستر دانسته شود، نمادی میتراپی بوده است و در ترکیب با شاخهای قوچ (منقوش بر سگه‌ها) خورنۀ را برای بخش مشخصی از جمعیت ایرانی تحت سلطۀ ساسانیان ارائه می‌کرده است (Ibid., pp. 29-30). عقرب و مار در سنت ایلامی و در نقوش به‌دست‌آمده از کرمان مربوط به سه هزار سال پیش از میلاد نمادهایی مثبت به شمار می‌روند (Ibid., p. 120).

در میان خدایان زرتشتی میثره نه تنها می‌تواند خورنۀ و نیرو ببخشد، بلکه توانایی آن را دارد که آن را بازپس بگیرد (نک. بندهای ۱۶ و ۲۷ از مهریشت) (Ibid., p. 25).

بررسی نمادها و تشخیص ارتباط آنها با آیین مهرپرستی کار دشواری است و قطعاً با حدس و احتمال بسیاری همراه است. این دشواری هم، در مورد مهرپرستی ایرانی و هم، در مورد مهرپرستی غربی صادق است.

دانشمندان مهرشناس در تحلیل خود از نمادهای مهری، منابع و آثار و نشانه‌های محلی و بومی و هندواروپایی را مورد توجه قرار داده‌اند. بنیان این آیین، اگرچه اختلاف نظر دربارهٔ آن بسیار است، با فرهنگ هندواروپایی مرتبط است. فقر اسناد، کار پژوهش را دشوار ساخته است و عمر بلند و طولانی ایزد مهر و آیین او، و نیز گستردگی مناطق تحت نفوذ این آیین، چهرهٔ اصلی این خدا و بسیاری از نمودها و ویژگیهای آیین او را از دید ما پنهان داشته است.

